

# چه چیز را ارزیابی کنیم؟



گفت‌وگویی معلمان

با دکتر خسرو باقری

استاد فلسفه تعلیم و تربیت

زینب وکیل

معلم علوم متوسطه اول، تهران

عکس: غلامرضا بهرامی

این آخرین و هشتمین شماره گفت‌وگویی معلم و فیلسوف است و من آن را در روزهایی آماده کرده بودم که معلمان در حال تصحیح برگه‌های ترم اول و دانش‌آموزان منتظر کارنامه‌های خود بودند. اکنون می‌خواهم یک جمله را به یادگار از این هشتمین شماره گفت‌وگو برای خود داشته باشم و آن جمله‌ای است که بیش از هر چیز در این روزها، مرا به خود مشغول کرده است: «هر زمان تعامل من معلم با دانش‌آموزم قطع شود تعلیم و تربیت نیز تعطیل شده است.» تعامل در همه جا حضور دارد و همین‌طور جایگاهی مهم در ارزشیابی دارد. معلمانی که سؤالات یا نحوه نمره‌دهی خود را عاری از اشتباه می‌دانند و هیچ نیازی به بازبینی در آن احساس نمی‌کنند روزبه‌روز از این تعامل دور می‌شوند. من باید بدانم چطور می‌توانم نقش دانش‌آموزم را در فرآیند ارزشیابی پررنگ کنم تا به جای ایجاد نگرانی و اضطراب در او شاهد پویایی و تلاشش باشم؟ می‌دانم که معلمان با تجربه کشورم تلاش‌های ارزشمندی در این مسیر داشته‌اند اما همچنان راه درازی در پیش داریم.



← معلم: با توجه به معنای خاص ارزشیابی در کلاس، بفرمایید کار معلم و دانش آموز از منظر عاملیت چه وضعی دارد. به عبارت دیگر نقش ارزشیابی برای انسان عامل چیست؟

وقتی می‌گوییم از منظر عاملیت، یعنی دانش آموز را عامل فرض کرده‌ایم، یعنی او، هم صاحب عمل است و هم هویت خود را با عملش رقم خواهد زد. ارزشیابی باید بتواند این انسان عامل را در مسیری که پیش رو دارد و می‌خواهد با آن سرنوشت خود را رقم بزند، کمک کند و تا او بهتر بتواند اعمال خود را ارزیابی کند و به تدریج بهتر عمل نماید. الان متأسفانه ارزشیابی به ابزاری در دست معلم تبدیل شده که، به تعبیر من، از آن علیه دانش آموز استفاده می‌کند؛ و این درست نیست. پس ما باید ابتدا تصورمان را از هدف ارزشیابی تصحیح و دقت کنیم، مثل هر عمل دیگر، ارزشیابی هم دو جنبه بیرونی و درونی دارد. جنبه بیرونی آن همان لایه‌های شناختی، علایق و گرایش‌های دانش آموز برای اقدام به کار است؛ و جنبه بیرونی‌اش آن چیزی است که قابل مشاهده است؛ مانند پاسخی که دانش آموز به یک سؤال می‌دهد و یا دست‌سازهای که ساخته است. ارزشیابی باید هم به «عاملیت» معطوف باشد و هم به عمل. اگر بخواهد فقط به یکی از این‌ها معطوف باشد خطاست. چرا که گفتیم عمل هم دارای جنبه‌های درونی و هم جنبه‌های بیرونی است. در حدیثی آمده است که: «ان الله یحب عبدا و یبغض عمله» یعنی خدا گاهی فردی را دوست دارد ولی از عمل او بدش می‌آید. عمل نیز یک وجه عینی و یک وجه تفسیری دارد. وقتی یک سبب را می‌بینیم، این جنبه عینی آن است ولی تفاسیر گوناگونی درباره آن وجود دارد.

#### لایه اول: بُعد شناختی.

گفتیم هر کاری که انجام می‌دهیم یک لایه شناختی دارد. مثلاً دانش آموزان تصورات متفاوتی از ریاضی دارند؛ بعضی آن را بی‌فایده می‌دانند و بعضی مفید. این تصور همان لایه شناختی است، بچه‌ها این لایه را دارند و ما نباید به این لایه



#### بی‌توجه باشیم<sup>۱</sup>.

می‌توان گفت ارزشیابی دارای سه هدف است:

۱. بهبود عامل (جنبه بیرونی عمل)
۲. بهبود عمل (جنبه بیرونی عمل)
۳. کیفیت بخشیدن به جریان تعاملی آموزش.

همان گونه که از منظر عاملیت، تربیت را تعامل بین شاگرد و معلم می‌دانیم، ارزشیابی را هم باید تعامل بین شاگرد و معلم بدانیم. به عبارت دیگر ارزشیابی فقط کار معلم نیست، بلکه حاصل تعامل بین او و دانش آموز است.

← معلم: من تعامل را متوجه نشدم. مگر ما برای ارزشیابی خود، معیار نداریم؟ اینجا دو سویه بودنش کجاست؟

نگاه رایج به ارزشیابی، فقط به معیارهای عینی (objective) اکتفا می‌کند، و مثلاً اینکه دانش آموز چه نمره‌ای گرفته است، در حالی که، مخصوصاً در تعلیم و تربیت، نباید این‌طور باشد و باید نگاه عمیق‌تری داشته باشیم. در تعلیم و تربیت ما با ذهن و ضمیر و فهم فرد و تغییر رفتار او سروکار داریم. دو سویه بودن یعنی اینکه فقط نتیجه

ظاهری یا عینی برایمان مهم نباشد، بلکه به شناخت و تصور و رفتار عامل (دانش آموز) هم اهمیت بدهیم. ما می‌خواهیم، در درجه اول، ذهنیت فرد (عامل) در مورد بعضی از امور تغییر کند. نمی‌توانیم بگوییم که به تصور او از درس کاری نداریم و فقط نتیجه برایمان مهم است.

← معلم: من، به عنوان معلم، وقتی با دانش آموز گفت‌وگو می‌کنم و نظر او را درباره درس ریاضی می‌پرسم او می‌گوید ریاضیات کسل‌کننده است؛ آیا این می‌تواند به نوعی کار من معلم ریاضی را ارزشیابی کند؟

اهمیت تعاملی بودن در این است که معلم و شاگرد در شناخت این لایه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. به عنوان مثال، اگر من حدس بزنم که دانش آموزم در درس ریاضیات وضعیت خوبی دارد، اینجا در مورد لایه شناختی او یک ارزیابی اجمالی کرده‌ام ولی تا این شناخت تعاملی نشود اطمینان بخش نیست و برای این کار باید با خود فرد گفت‌وگو کنم.

#### لایه دوم: گرایش

حالا لایه دوم یا همان لایه گرایش‌ها و علایق و دل‌بستگی‌ها. من پس از تعامل و بررسی مشارکت فرد در کلاس به افرادی که به درس علاقه نشان نمی‌دهند و با من وارد تعامل نمی‌شوند نمره کمتری می‌دهم. مشارکت یکی از نشانه‌های علاقه است.

← معلم: ابزار افزایش علاقه چیست؟ معلم در کلاس نباید متکلم وحده باشد و بقیه فقط گوش دهند. هر معلمی در آخر ترم تصور یا تصویری از علایق بچه‌ها نسبت به درس مورد نظر پیدا می‌کند. ما باید دقت کنیم تا ارتباط عاطفی ما در مسیر مناسبی حرکت کند، چون ارتباط

به برگه، نمره بدهیم کافی نیست از منظر عاملیت هم نباید به تلاش فرد بی‌توجه بود.

در ارزشیابی خداوند از ما سعی و تلاش ما کاملاً دخالت دارد. البته نسبت‌ها باید به میزان مناسبی رعایت شود. مثلاً اینکه فرد در ابتدا کجا بود و حالا کجاست، یا دارایی‌های اولیه‌اش چه بوده و به چه میزان تلاش کرده و حالا چه دارد؛ این‌ها همه و همه در ارزشیابی خداوند از ما و کارهای ما وجود دارد. ما نیز باید در ارزشیابی دانش آموزان این امور را مدنظر قرار دهیم.

← معلم: آیا در ارزشیابی محتوا (content) مهم است؟

دانش چیست؟ دانش با محفوظات یکی نیست. اطلاعات (Information) غیر از دانش و فهم (knowledge) است. آنچه ابتدا در ذهن ما جمع‌آوری می‌شود

عاطفی بخشی از ارزشیابی است. اگر دانش آموزی به موضوع درس علاقه‌مند است باید برای این علاقه‌اش نمره و امتیازی قائل باشیم.

← معلم: آیا دانش آموز باید بداند که ارزشیابی می‌شود یا خیر؟

بعضی از استادان می‌گویند من به مشارکت افراد فلان درصد نمره می‌دهم و به علاقه‌مندی و حضور او درصد دیگری. ما نباید افراد را گیر بیناندازیم، باید با آن‌ها کاملاً شفاف صحبت کنیم. باید به بچه‌ها بگوییم که ارزشیابی به نفع شماست و هدف آزار شما نیست. حضور فردی و شخصی مقدمه حضور معنوی است. هدف ارزیابی باید مشخص شود.

#### لایه سوم: تصمیم و اراده

باید توجه کرد که علاقه یک چیز است و تلاش در ابراز آن چیز دیگری است. ما چه بسیار علایق داریم که آن‌ها را در قلبمان نگه می‌داریم. بعضی علایق هم داریم که آن‌ها را ابراز و عملی شدن آن‌ها را پیگیری می‌کنیم. هر تلاشی حاکمی از اراده و تصمیم قبلی است. وقتی می‌خواهیم در ارزشیابی به عمل فرد نمره دهیم، باید برای تلاش او نیز مقداری نمره در نظر بگیریم.

استعداد همه یکسان نیست. ژن را نمی‌توان نادیده گرفت ولی همه چیز هم ژن نیست. پس ما باید به تلاش نیز نمره دهیم. اگر بخواهیم به نتیجه، یعنی فقط

دانش آموزان می‌دهیم باید مفهومی باشد، این مفهومی بودن به چه معناست؟ یعنی اینکه سؤال ما ناظر به «روابط» بین معلوماتی باشد که در ذهن دانش آموز وجود دارد نه اینکه فقط چه معلوماتی در ذهن دارد.

ارزشیابی حافظه‌محور به چند دلیل غلط است. اول اینکه در روزگار ما، با وجود کامپیوتر، دیگر نیازی به حفظ کردن حجم زیاد اطلاعات نیست. مثلاً در صدر اسلام با توجه به شرایط خاص آن روزگار عده‌ای قرآن را حفظ می‌کردند، ولی در روزگار ما با وجود هزاران قرآن مکتوب چه ضرورتی دارد که کودک خردسال یا حتی یک بزرگسال را تحت فشار قرار دهیم تا قرآن را حفظ کند. قرار نیست که حافظه برای ما نقش کامپیوتر را بازی کند؟ حافظه شرط لازم برای دانش‌ورزی است. یعنی اطلاعات را در خود نگه می‌دارد تا ما بتوانیم به روابط آن‌ها بیندیشیم.

← معلم: پس به این ترتیب ویژگی‌های یک امتحان خوب چیست؟

در یک امتحان خوب نباید امکان تقلب وجود داشته باشد، درست برعکس بیشتر امتحانات ما که این امکان وجود دارد. چرا امتحانات ما طوری است که باید نیرو صرف کنیم تا جلوی احتمال تقلب‌ها را بگیریم؟! چون به‌طور کلی ما بیشتر از اطلاعات امتحان می‌گیریم نه از دانش! که فهم روابط بین اطلاعات است. امتحان از دانش یعنی اینکه، مثلاً معلم ۵ سؤال یا مطلب از جاهای مختلف کتاب بدهد و از دانش آموز بخواهد این‌ها را به هم مرتبط کند. اگر او بتواند این کار را کند معلوم می‌شود که موضوع را فهمیده یا نه. نقش حافظه این است که در هر لحظه اطلاعاتی را که به آن نیاز داریم در دسترس ما قرار دهد. باید به دانش آموز یادآور شویم که لازم نیست عین مطلب کتاب درسی را بنویسد. گاهی چه بسا لازم شود که اگر این کار را کرد از نمره و امتیاز او کم شود.

#### \* بی‌نوشت

۱. به شماره مهرماه سال ۱۳۹۶ و اهمیت توجه به جنبه شناختی عمل توجه کنید.

همان گونه که از منظر عاملیت، تربیت را تعامل بین شاگرد و معلم می‌دانیم، ارزشیابی را هم باید تعامل بین شاگرد و معلم بدانیم. به عبارت دیگر ارزشیابی فقط کار معلم نیست، بلکه حاصل تعامل بین او و دانش آموز است